

الگوی روابط انسانی عزت‌مدار با تأکید بر سیره امام حسین(ع)

راضیه بدیعیان گورتی*

دکتر سیدابراهیم میرشاه‌جعفری**

دکتر محمدجواد لیاقت‌دار***

چکیده

امام حسین(ع)، سبط نبی اکرم(ص)، سومین پیشوای شیعیان، خالق حماسه‌ای بی‌نظیر در تاریخ بشریت است. حماسه‌ای که خاستگاه مکتبی تربیتی است، مکتبی فراتاریخی و فراجغرافیایی. عزت و عزت‌مداری در این مکتب از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، به گونه‌ای که می‌توان آن را احیاکننده عزت اسلامی و انسانی دانست. بر این اساس و با هدف تبیین جایگاه عزت و عزت‌مداری در نهضت تربیتی عاشورا، نویسندگان مقاله به شیوه تحلیلی به بررسی عزت‌مداری در سیره امام حسین(ع) در جریان واقعه عاشورا پرداخته و به این نتایج دست یافته‌اند که سیره امام حسین(ع) به‌ویژه در واقعه کربلا الگویی کامل و جامع در زمینه عزت‌مداری و تقویت عزت نفس است. در مکتب تربیتی سیدالشهدا تعاملات انسانی اعم از تعاملات فردی و اجتماعی، بر مبنای عزت شکل می‌گیرد. بسترسازی در کانون خانواده (عزت‌مداری در خانواده) توکل به خدا، هدفمندسازی زندگی، مرگ‌اندیشی سازنده و تکریم انسان‌ها نیز از جمله راهکارهای پرورش و تقویت عزت نفس در سیره عملی امام حسین(ع) در جریان واقعه عاشورا است.

واژه‌های کلیدی: روابط انسانی، عزت، سیره امام حسین(ع)، عاشورا

Email: rbg@yahoo.com

Email: sebrahimjafari@yahoo.com

Email: javad@edu.ui.ac.ir

* کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت

** دانشیار دانشگاه اصفهان

*** دانشیار دانشگاه اصفهان

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۰۴/۱۵ تاریخ تأیید: ۱۳۸۹/۱۲/۱۷

مقدمه

با وجودی که بنا بر گفته پدر «نهضت عزت نفس»، ناتانیل براندن، «آگاهی از اهمیت عزت نفس در دهه‌های اخیر در سراسر جهان پدید آمده است» (براندن، ۱۳۷۵، ص ۷)، عزت نفس در سیره ائمه معصومان به عنوان الگوی جامه عمل پوشیده تئوری‌های تربیتی اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا براساس آموزه‌های اسلامی خداوند با تکریم انسان از بدو خلقت او را عزیز آفرید و گوهر عزت را در وجودش به ودیعه نهاد. با این وجود، این خصلت الهی که از ذات باری تعالی نشأت گرفته است، تنها در بستر تربیت صحیح به منصبه ظهور خواهد رسید و زمینه را برای رشد و بالندگی انسان فراهم خواهد نمود. بنابراین مولای متقیان در راستای تربیت عزت‌محور فرزندان خویش به آنها سفارش می‌کند، برای حفظ کرامت خویش از ارتکاب اعمال پست و مغایر با عزت نفس پرهیز کنند «اَکْرِم نَفْسَکَ عَنْ کُلِّ ذَنْبٍ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۴).

بررسی تعالیم پیشوایان دینی مبین آن است که عزت‌مداری محور تنظیم مناسبات فردی و اجتماعی این مرییان بزرگ بشر بوده است. بر این اساس، رویکردهای تربیتی ایشان خواه در کسوت قیام نظامی و یا فعالیت‌های علمی و مذهبی بر مبنای حفظ عزت انسان‌ها شکل گرفته است. واقعه عاشورا نیز به عنوان یکی از اثرگذارترین حوادث تاریخ اسلام، جریانی حماسی تربیتی است که در راستای حفظ کرامت و عزت انسان‌ها شکل گرفت.

امام حسین (ع) پرورش یافته بوستان نبوت و ولایت است و افزون بر کرامت ذاتی که موهبت خداوند به همه انسان‌ها است، روح او در سایه تعالیم خاندان نبوت و ولایت به بالاترین درجه کرامت و عزت اکتسابی نائل شده است. از این رو، هرگز به خواری و زبونی تن نسپرد؛ فرزندان و یارانش کشته شدند؛ خاندانش به اسارت درآمدند؛ بدنش با شمشیرها قطعه‌قطعه شد؛ اما روحش استوار و محکم ماند و در اوج کرامت و عزت نفس و آزادمنشی به دیدار معبود شتافت.

نویسندگان مقاله حاضر درصددند ضمن بررسی سیره عملی امام حسین (ع) در جریان واقعه عاشورا، الگوی رفتاری مبتنی بر عزت و کرامت در عملکرد سیدالشهداء را در جریان واقعه عاشورا بررسی کنند.

کرامت منشأ عزت

انسان دارای کرامتی است که او را در بالاترین جایگاه در میان پدیده‌های هستی قرار داده است. کرامت از نظر لغوی از ریشه کَرَم است. راغب در ذیل ماده کَرَم آورده است: «زمانی

که کرم را برای توصیف خداوند تبارک به کار می‌بریم، اسمی است برای احسان و انعامی که از او صادر می‌شود؛ ولی زمانی که آن را برای توصیف انسان به کار می‌بریم اسمی است برای اخلاق و اعمال پسندیده‌ای که از وی برمی‌آید» (راغب اصفهانی، ۱۳۶۳، ص ۷۰۷). کرامت در لغت به معنای تعظیم و تنزیه آمده است: «تکرم فلان عما یشین اذا تنزه و اکرم عن الشائعات» (ابن منظور، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۵۱۲). «کرامت بزرگواری است و بزرگواری حاصل بهره‌وری معین یک موجود است، بی‌آنکه پای مقایسه با غیر در آن گشوده شود و هر گاه چنین شد، آن را فضیلت گویند نه کرامت» (باقری، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۹۱).

براساس آیه: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوُجُوهِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء، ۷۰)، خدای کریم به انسان هم کرامت داده است و هم فضیلت «شرافت». بر این اساس، کرامت آدمی که ناظر به شرافت ذاتی اوست، ویژه اوست و در آن مقایسه با غیر لحاظ نمی‌شود. این کرامت از سرچشمه لایزال کرم الهی سرچشمه می‌گیرد.

بررسی آیات قرآن به عنوان سرچشمه معارف الهی مبین این اصل اساسی است که اسلام برای نوع بشر دو نوع کرامت قائل است: کرامت ذاتی و کرامت اکتسابی. آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» یکی از شاخص‌ترین آیاتی است که مبین کرامت ذاتی نوع بشر است. این آیه و آیاتی مانند آن بیانگر آن است که خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده که در مقایسه با برخی موجودات از امکانات و مزایای بیشتری برخوردار است. در مقابل، مقصود از کرامت اکتسابی در قرآن کمالاتی است که در پرتو اعمال صالح اختیاری بشر حاصل می‌شود. «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ» (حجرات، ۱۳). براساس این آیه کرامت اکتسابی وابسته به اعمال اختیاری انسان است. کرامت اکتسابی امری اعتباری و قراردادی نیست و بر تکامل واقعی انسان دلالت دارد. با نظر به کرامت به منزله ویژگی عمومی انسان‌ها، خداوند برای انسان در اساس انسان بودنش، بهره‌وری‌هایی را فراهم آورده که مایه امتیاز او از غیر انسان است و به سبب آن، وی را بزرگوار و مکرم داشته است. «اصل عزت ناظر به این ویژگی است و مقصود از این اصل آن است که باید انسان مکرم را عزیز داشت و مایه‌های عزت نفس او را فراهم آورد» (باقری، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۹۲). بر این اساس، خداوند رب‌العزه است؛ زیرا متکفل تدبیر و برآوردن عزت انسان‌ها است، عزتی که از کرامت انسان‌ها نشأت می‌گیرد.

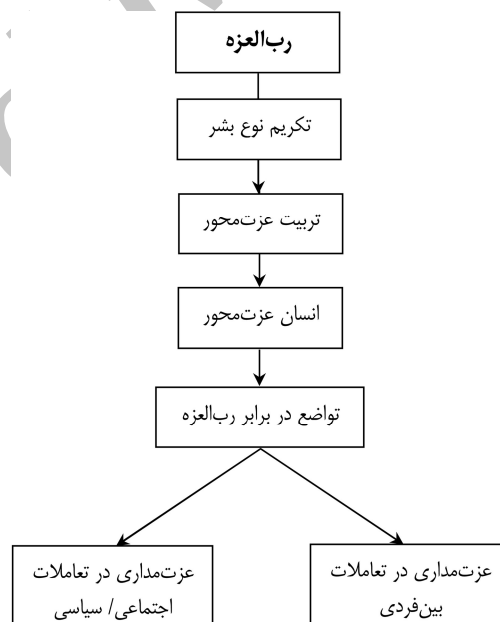
مفهوم‌شناسی تربیت عزت‌مدار

عزت که همواره مقارن با صلابت و شکست‌ناپذیری است، عبارت است از «حالتی که به انسان استواری و محکمی می‌بخشد تا مغلوب هیچ چیز و هیچ کس نگردد» (راغب، ۱۳۶۳، ص ۳۳۲).

و (۳۳۳). تربیت عزت‌مدار یکی از مهم‌ترین اهداف رویکرد تربیتی معصومان است. ثمره چنین تربیتی پرورش انسانی است که حرمت، شرافت و شخصیت برای خود قائل است و بزرگواری خود را در همه حال حفظ می‌کند. «یکی از اهداف مهم تربیت این است که انسان به گونه‌ای تربیت شود که اعتلای روحی بیابد و خود را از پستی و فرومایگی رها ساخته حرمت، شرافت و شخصیت برای خود قائل شود و بزرگواری خود را در همه حال حفظ نماید» (جوادی آملی، ۱۳۶۶، ص ۲۱-۲۳) حاصل این نوع تربیت انسان باصلابتی است که سختی، راحتی، شکست و پیروزی او را به سستی و تباهی نخواهد کشاند و هرگز تن به خواری و زبونی نخواهد داد.

الگوی تربیت عزت‌مدار

الگوی تربیت عزت‌مدار در اسلام از ارتباط انسان با خالق در قالب تکریم، در بدو وجود آغاز می‌شود. بر این اساس، بن‌مایه این نوع تربیت در نوع بشر به ودیعه نهاده شده است و تربیت شاهراه تبلور آن در وجود آدمی است. در تربیت عزت‌محور، عزت اساس تنظیم روابط در جریان تعاملات اجتماعی و تعاملات بین‌فردی است. بررسی سیره عملی امام حسین (ع)، به‌ویژه در جریان واقعه عاشورا، مبین آن است که ایشان نمونه بارز انسان عزت‌مداری است که در سایه تربیت عزت‌محور اصل عزت را مبنای تنظیم روابط خود در تعاملات بین‌فردی و در عرصه اجتماعی و سیاسی قرار داده‌اند.



جایگاه عزت در ارتباط انسان با خالق در سیره امام حسین(ع)

براساس آموزه‌های تربیتی نشأت‌گرفته از معارف الهی، عزت و کرامت با مرتبه وجود آدمی ارتباط مستقیم دارد. از این‌رو، هر قدر انسان وجود خود را از زنگار آلودگی‌ها و پستی‌های جهان ماده بزداید، به همان میزان بر عزت و کرامت او نیز افزوده خواهد شد. از این‌رو، به نص صریح قرآن کریم عزت واقعی از آن خدا، رسول خدا و مؤمنان است (منافقون، ۸). پیامد نزدیکی به منشأ عزت درک مفهوم عزت حقیقی است و حاصل چنین دریافتی خضوع و خشوع در برابر عزیز مطلق است.

دعای عرفه سیدالشهداء به عنوان منشور حرکت تربیتی ایشان بیانگر این اصل مهم است: «یا اِلهی بَیْنَ یَدَیْکَ یا سَیِّدِی خَاضِعٌ ذَلِیلٌ حَصِیرٌ حَقِیرٌ لا دُوَّ بَرَاءَةٍ فَاعْتَذِرْ؛ بارخدایا، ای سید و سرور من، بنده، همین که در پیشگاه توست، سرافکنده ذلیل، عاجز و ناچیزم...». مناجات سیدالشهداء در عرفه زبان حال انسان کاملی است که درک عزت الهی او را به عجز و کوچکی‌اش در برابر خالق واقف ساخته است. پیامد درک مرتبه عزت وجودی خود در برابر عزیز مطلق، عزت و کرامت در برابر دیگر مخلوقات است؛ زیرا کسی که در پیشگاه خدای عزیز سر تسلیم فرود آورد، هرگز در مقابل غیر حق سر خم نمی‌کند؛ زیرا عزت و کرامت را موهبتی الهی می‌داند. در چنین رویکرد تربیتی هر عزتی که از منشأ غیر الهی سرچشمه گیرد پیامدی جز ذلت و حقارت نخواهد داشت: «أَنْتَ الَّذِیْ أَعَزَّزْتَ».

عزت‌مداری در تنظیم روابط فردی

با نظر به مبنای «کرامت»، عزت‌مداری در سیره فردی و اجتماعی یکی از مهم‌ترین اصول تربیت، به‌ویژه تربیت اسلامی محسوب می‌شود. تربیتی که بر مبنای کرامت انسان‌ها شکل می‌گیرد، پرورش انسان‌های عزت‌مدار را جزء جدایی‌ناپذیر اهداف خود می‌داند، زیرا «افزایش عزت نفس احیاکننده احساس توانمندی و ارزشمندی در انسان‌ها و جزئی از سلامت روان است» (بیابانگرد، ۱۳۸۴). بر این اساس، تقویت عزت یا همان عزت نفس در متربیان آنها را به مرتبه‌ای از کمال سوق می‌دهد که حرمت، شرافت و شخصیت برای خود قائل می‌شوند و بزرگواری خود را در همه حال حفظ می‌نمایند.

امام حسین(ع) نمونه بارز تربیت‌یافتگان مکتب تربیتی اسلام است که در جایگاه مربی عزت‌مدار، عزت را مبنای روابط خود در شئون مختلف قرار داده است. ایشان پیش از حرکت به سوی کربلا در جواب برادرش محمد حنفیه که از او می‌خواست برای حفظ

جانش با یزید بیعت کند فرمود: «أَنَّهُ لَا أُعْطَى الدَّيَّةَ مِنْ نَفْسِي أَبَدًا؛ و حقیقت این است که هرگز تن به پستی ندهم» (ابن طاووس، ۱۴۱۴، ص ۱۰۰). پاسخ امام به محمد حنفیه مبین آن است که ساختار تربیتی نهضت عاشورا براساس عزت‌مداری شکل گرفته است و بر پایه عزت و کرامت انسانی استوار ماند. ایشان در روز عاشورا آنگاه که به ظاهر همه امیدها قطع شده است، در آستانه وقوع جنگ، سپاه عمر سعد را مورد خطاب قرار داده، ضمن تحقیر و در هم کوبیدن عزت دروغین ابن زیاد با صلابت و استواری می‌فرماید: «أَلَا وَإِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ - قَدْ تَرَكَنِي بَيْنَ السَّلَةِ وَالذَّلَّةِ - وَهَيْهَاتَ لَهُ ذَلِكَ هَيْهَاتَ مِنِّي الذَّلَّةُ؛ الا، همانا زنزاده فرزند زنزاده مرا بین دو چیز قرار داده: مرگ باشرافت و جنگ، یا پذیرفتن ذلت و خواری، چه دور است ذلت از ما» (ابن ابی‌الحدید المعزلی، ۱۳۷۸ق، ج ۳، ص ۲۴۹ و ۲۵۰ و حرانی، ۱۳۹۴ق، ص ۱۷۱).

عزت‌مداری در جریان واقعه عاشورا از چنان اهمیتی برخوردار است که سیدالشهداء آن را یکی از معیارهای انتخاب پوشش خود در هنگام شهادت قرار می‌دهد. در تاریخ آمده است پیش از عزیمت به میدان نبرد، امام حسین (ع) رو به اهل بیت خود نموده فرمودند: «ابْعَثُوا إِلَيَّ ثَوْبًا لَا يُرْغَبُ فِيهِ أَجْعَلُهُ تَحْتَ ثِيَابِي لِنَلَأِ أَجْرَدَ فَأَتِيَ بَتَبَانٍ فَقَالَ لَا ذَاكَ لِبَاسُ مَنْ ضُرِبَتْ عَلَيْهِ بِالذَّلَّةِ؛ پیراهنی برای من بیاورید که احدی در آن رغبت نکند. من آن پیراهن را زیر لباس هایم قرار دهم که (پس از شهید شدن) بدنم برهنه نماند پیراهنی تنگ برای آن حضرت آوردند. فرمود: منظور من این نیست، این لباس آن کسی است که دچار ذلت شده باشد» (مجلسی، ۱۴۰۸، ج ۴۵، ص ۵۵).

عزت‌مداری در تنظیم تعاملات بین فردی

سیره امام حسین (ع) بیانگر این اصل اساسی است که روابط انسان با دیگر افراد جامعه باید به گونه‌ای سازمان یابد که انسان‌ها را به عزت حقیقی برساند و از هرگونه عامل نفی عزت مردمان دوری شود. الگوی رفتاری امام حسین (ع) نشان‌دهنده اصل پاسداشت کرامت و عزت دیگر انسان‌ها در تعاملات بین فردی است. بر این اساس، ایشان هرگز به کسی اجازه نمی‌داد تن به حقارت و ذلت دهد. روایت شده است که مردی از انصار نزد امام حسین (ع) آمد و می‌خواست نیاز خود را بیان کند و تقاضای کمک مالی نماید. آن حضرت به او فرمود: «يَا أَخَا الْأَنْصَارِ صُنْ وَجْهَكَ عَنْ بَذْلَةِ الْمُسَالَةِ وَارْفَعْ حَاجَتَكَ فِي رُقْعَةٍ فَإِنِّي آتٍ فِيهَا مَا سَأَرَكُ إِن شَاءَ اللَّهُ؛ ای برادر انصاری، آبرویت را از بیان این خواهش نگه دار

و نیاز خود را در نامه‌ای بنویس و نزد من آر، و من - ان شاء الله - آنچه را خرسندت نماید خواهم داد» (حرانی، ۱۳۹۴ق، ص ۱۷۶). امام حسین(ع) به عنوان طلایه‌دار عرصه کرامت و عزت، روابط خود با دیگران را بر مبنای حفظ عزت و کرامت آنها تنظیم می‌نمود؛ زیرا در مکتب تربیتی ایشان حفظ عزت و کرامت انسان ارزشمندتر از گوهر حیات است.

عزت‌مداری در تعاملات اجتماعی، سیاسی

عزت‌مداری نشأت گرفته از کرامت انسانی است و کرامت انسانی که مربوط به ویژگی‌ها و خصوصیات ذاتی آدمی است، جلوه‌های گوناگونی دارد که قرآن کریم در آیات فراوان به آنها اشاره کرده است. انسان از نگاه قرآن کریم وجودی جامع دارد که او را شایسته مقام خلافت کرده است و همین خلیفه الهی جایگاه والای انسان را در هستی رقم می‌زند. بنابراین، رویکردهای تربیتی نشأت گرفته از تعالیم اسلامی کرامت و عزت نوع بشر را ارج نهاده درصدد حفظ و تحکیم آن است. حاصل چنین رویکردی تربیت انسان نفوذناپذیری است که مقهور شرایط زمان و مکان نمی‌شود و با وجودی که جامعه و شرایط زمان و مکان را مقهور خویش می‌سازد، درصدد پاسداری از کرامت و عزت دیگران است.

رویکرد انسان عزت‌مدار در روابط اجتماعی، سیاسی عزت و کرامت را برای دیگر افراد جامعه به ارمغان می‌آورد. کرامت بهترین بستر رشد و تربیت آدمی است و تمام شئون تربیتی باید مبتنی بر حفظ کرامت باشد، تا زمینه مناسب تعالی افراد جامعه فراهم شود. زندگی امام حسین(ع) در بعد اجتماعی و سیاسی نیز نشأت گرفته از معارف الهی است. از این رو، عزت‌مداری در سیره سیاسی و اجتماعی ایشان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا تن سپردن به ذلت و خواری به منزله جدایی از معارف الهی و سیره اهل بیت(ع) است. «وَمَنْ أَقَرَّ بِالذُّلِّ طَائِعًا فَلَيْسَ مِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ؛ هر که آزادانه به ذلت و خواری تن دهد، از ما نیست» (حرانی، ۱۳۹۴، ص ۵۸).

از دیدگاه امام حسین(ع) تن سپردن به مناسبات اجتماعی ظالمانه و روابط سیاسی و حکومتی ستمگرانه که موجب خواری و زبونی است، از هر مرگی بدتر است؛ زیرا پیامد چنین اوضاع و احوالی هتک حرمت و تضعیف کرامت انسان‌ها است. در چنین جامعه‌ای حقوق انسان‌ها به صورت‌های گوناگون مورد تعدی قرار می‌گیرد، دین هتک می‌شود؛ روابط انسانی محو می‌گردد و عده‌ای به بندگی عده‌ای دیگر درمی‌آیند. زیستن در چنین جامعه‌ای کشتن عزت و کرامت انسانی است؛ عزت و کرامتی که از عزت الهی سرچشمه گرفته است.

امام حسین (ع) به انسان‌ها آموخت که گوهر ارزشمند حیات در برابر حفظ عزت و کرامت انسانی بی‌ارزش است. ایشان هنگامی که مصلحت‌طلبان سازشکار او را به مصالحه با حکومت فاسد یزید دعوت می‌کردند، آنها را مورد خطاب قرار داده فرمودند: «إِنِّي لَا أَرِي الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرْمًا؛ من مرگ را جز خوشبختی نمی‌دانم و زندگی با ستمکاران را جز به ستوه‌آمدگی و بدبختی نمی‌بینم» (طبرانی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۱۵؛ اندلسی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۳۶۶).

حفظ عزت و کرامت انسان‌ها در واقعه عاشورا

عزت‌مداری در سیره فردی و اجتماعی مربی بدون پرورش عزت و کرامت متربیان، به پرورش و تقویت کرامت و عزت نوع انسان نخواهد انجامید. بر این اساس، مربی عزت‌مدار پرورش و حفظ کرامت و عزت متربیان را سرلوحه اقدامات تربیتی خود قرار می‌دهد. مربی آگاه نهضت تربیتی عاشورا به عنوان حرکتی تربیتی که بر مبنای احیای کرامت و عزت امت اسلامی شکل گرفت، همواره پرورش و تقویت عزت و کرامت یاران خویش را سرلوحه کارهای خویش قرار داده بودند. تکریم انسان و پرهیز از اقدامات تبعیض‌آمیز از جمله کارهای ایشان در راستای حفظ عزت و کرامت دیگر انسان‌ها محسوب می‌شود.

تکریم انسان‌ها

ظهور اسلام در عصری که برتری‌های قومی، گروهی را در غل و زنجیر بردگی اسیر کرده بود، نقطه عطفی برای بردگانی بود که کرامت انسانی خویش را برای همیشه بر باد رفته می‌دیدند. برابری انسان‌ها در اسلام یک واقعیت پذیرفته شده است. «اسلام براساس جهان‌بینی الهی و توحیدی می‌گوید که انسان‌ها همه با یکدیگر برابرند، نه اینکه باید برابر باشند و این یک واقعیت طبیعی و سنت خداوندی است» (شریعتی، ۱۳۶۷، ص ۳۴).

قرآن به عنوان اساسنامه دین اسلام در آیه ۱۳ سوره حجرات بر همه برتری‌های قومی و نژادی خط بطلان کشیده است و موضع اسلام را در مورد انسان‌ها به‌طور واضح بیان می‌کند: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ؛ گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست». از سوی دیگر، بیان صریح قرآن در تکریم نوع بشر (اسراء، ۷۰) بیانگر این نکته اساسی است که تکریم ذاتی انسان‌ها از سوی خداوند به گروه یا قوم خاصی اختصاص ندارد، بلکه

شامل نوع بشر می‌گردد. بنابراین، اسلام از یک‌سو نوع بشر را تکریم می‌نماید تا کرامت و عزت حاصل از تفاوت‌های قومی و نژادی را نفی کند و از دیگرسو، کرامت اکتسابی انسان‌ها را در گرو اعمال آنها می‌داند. ارائه چنین رویکرد تربیتی در نوع خود بدیع و منحصر به فرد است؛ زیرا بیانگر نقش فعال تربی در جریان حرکت تربیتی و دستیابی به رشد و تعالی است. چنین دیدگاهی در نهضت عاشورا به عنوان نهضتی منبعث از تعالیم الهی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. نفی تبعیض نژادی یکی از بارزترین آثار این دیدگاه و از مظاهر تکریم انسان‌ها در واقعه عاشورا است.

سیره عملی پیشوایان دینی ما مبین این اصل اساسی است که تکریم یاران و اصحاب بر پایه تقوای آنها صورت می‌گیرد، نه قومیت و نژاد آنان. و عاشورا به عنوان بارزترین جلوه‌گاه سیره عملی امام حسین(ع) الگوی جامع و کامل تکریم نوع بشر در زمانی است که امویان اندیشه برتری‌های قومی و قبیله‌ای و به دنبال آن عزت‌های موروثی جاهلی را جایگزین برابری و تکریم نوع بشر نموده بودند.

از دیدگاه امام حسین(ع) به عنوان الگوی جامعی که تئوری‌های تربیتی اسلام را در سیره عملی خود جامه عمل پوشانده است، همه انسان‌ها از هر قوم و نژادی که باشند قابل تکریم و احترام هستند. از سوی دیگر، بر مبنای آیه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ» (حجرات، ۱۳) انسانی که خود را به مراتب والای انسانیت و ایمان ارتقا دهد، در هر رنگ و نژادی که باشد مورد تکریم بیشتری قرار می‌گیرد. از این رو، امام حسین(ع) در روز عاشورا هنگام شهادت غلامش بر بالین او حاضر می‌شود و مانند زمان شهادت فرزند بزرگوارش، حضرت علی اکبر(ع)، صورت بر صورت غلام خود می‌گذارد و این گونه در تکریم انسان‌ها مرزهای قومی، نژادی و حتی خانوادگی را در هم می‌شکند. «ثم خرج غلام ترکی کان للحسین(ع) و کان قارئاً للقرآن فجعل یقاتل و یرتجز... فقتل جماعه ثم سقط صریعاً فجاءه الحسین(ع) فبکی و وضع خده علی خده ففتح عینه فرأی الحسین(ع) فتبسم ثم صار إلی ربه رضی الله عنه» (مجلسی، ۱۴۰۸، ج ۴۵، ص ۳۰). غلام سیه‌چرده ابوذر غفاری نیز از جمله کسانی است که با اینکه به ظاهر برده‌ای سیه‌چهره بود، مورد تکریم ویژه سیدالشهداء قرار گرفت، به گونه‌ای که امام در هنگام شهادت بر بالین او حاضر شد و در حق او این چنین دعا فرمود: «اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهَهُ وَ طَيِّبْ رِيحَهُ وَ احْشُرْهُ مَعَ الْأَبْرَارِ وَ عَرِّفْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» (همان، ص ۲۳).

روش‌های تربیتی عزت‌مدار براساس سیره امام حسین(ع) (راهکارهای دستیابی به عزت نفس) رویکرد امام حسین(ع) در واقعه عاشورا مبین آن است که هدف ایشان هدایت، رشد و تربیت مخاطبان است. بنابراین، در جریان رویکرد تربیتی خود و در راستای تربیت عزت‌محور ضمن ارائه الگویی جامع، روش‌های تربیت عزت‌مدار را نیز برای مخاطبان آگاه خود تبیین می‌نمایند. بر این اساس، بسترسازی در محیط خانواده (عزت‌مداری در کانون خانواده)، توکل، هدفمندسازی زندگی و مرگ‌اندیشی سازنده از جمله شیوه‌های تربیتی در راستای تربیت عزت‌مدار است که از سیره عملی و سخنان امام حسین(ع) در جریان واقعه عاشورا استنتاج می‌شود.

۱. بسترسازی در محیط خانواده (عزت‌مداری در کانون خانواده)

کودک از همه گرایش‌ها و محرک‌های درون خانواده تأثیر می‌پذیرد و رفتار او به تبع رفتار خانواده شکل می‌گیرد. براساس تحقیقات روان‌شناسان، «والدین یکی از مهم‌ترین منابع شکل‌گیری عزت نفس در کودکان و نوجوانان محسوب می‌شوند» (بیابانگرد، ۱۳۸۴، ص ۳۶). تحقیقات کوپر اسمیت بیانگر این نکته اساسی است که «والدینی که ارزش‌هایی مشخص و دیدگاهی روشن در مورد رفتارهای درست دارند و عقاید خود را ابراز و اعمال می‌کنند کودکان با عزت نفس بالا تربیت خواهند کرد» (همان، ص ۸۰). بر این اساس، عزت نفس انسان در کودکی و در کانون خانواده شکل می‌گیرد و نخستین گام در راستای پرورش انسان‌های عزت‌مدار بسترسازی در محیط خانواده است. والدین نخستین الگوهای تربیتی کودک محسوب می‌شوند و مشی عزت‌مدار والدین نهادینه شدن عزت‌مداری و عزت نفس را در فرزندان تقویت می‌کند. نمونه بارز خانواده عزت‌مدار در اسلام خاندان رسول خدا است که به نص صریح قرآن، اوج عزت حقیقی پس از خداوند از آن‌ها است (منافقون، ۸). ثمره چنین خانواده‌هایی وجود مقدس سیدالشهداء است که در سخت‌ترین شرایط تسلیم نشد و تن به ذلت نداد و یکی از مهم‌ترین ارکان زندگی شخصی، اجتماعی و سیاسی ایشان حفظ عزت و کرامت انسانی بود. ایشان در برابر سپاهیان عمر بن سعد که در اوج خودباختگی، مقهور اوضاع زمان خود بودند، ارزشمندترین گوهر وجود خود یعنی عزت و کرامت انسانی را در برابر آرزوهای ناچیز دنیوی از کف داده بودند، آگاهانه و مدبرانه ضمن اشاره به یکی از مهم‌ترین عوامل عزت‌مداری خود که همان خاندان عزت‌مدار است، منشأ ذلت‌مداری آنها را نداشتن الگوهای عزت‌مدار در کانون خانواده بیان می‌کنند.

هَيْهَاتَ مَا أَخَذَ الدِّينَةَ أَبِي اللَّهِ ذَلِكَ وَرَسُولُهُ وَجُدُودٌ طَابَتْ وَحُجُورٌ طَهَّرَتْ وَ
أُنُوفٌ حَمِيَّةٌ وَنُفُوسٌ أَبِيَّةٌ لَا تُؤَثِّرُ مَصَارِعَ اللَّثَامِ عَلَى مَصَارِعِ الْكِرَامِ؛ هیهات که من
این دنیای دنی را انتخاب نمایم، زیرا خدا و رسول، دنیا را انتخاب نکرده‌اند. آبا و
اجدادی که طیب و طاهر باشند، خاندانی که پاکیزه باشند، و بینی‌هایی که حمیت
داشته باشند و نفوسی که زیر بار ذلت نمی‌روند هرگز روا نمی‌دارند که ما
فرمانبرداری از فرومایگان را بر مرگ با عزت مقدم داریم (ابن‌ابی‌الحدید،
۱۳۷۸ق، ج ۳، ص ۲۴۹ و ۲۵۰؛ مسعودی، بی‌تا، ص ۱۴۲).

۲. توکل

توکل در لغت به معنای اعتماد کردن و واگذاری کار به دیگری است (راغب اصفهانی،
۱۳۶۳، ص ۵۶۷). در اصطلاح شرع توکل عبارت است از «اعتماد بر خداوند متعال در
جميع امور و تکیه بر اراده او» (مشکینی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۵). در فرهنگ دینی کلمه توکل
همیشه مفهومی زندگی‌بخش، محرک و حماسی دارد. قرآن به عنوان اساسنامه معارف
اسلامی هر جا که می‌خواهد بشر را وادار به عمل کند و ترس را از انسان بگیرد می‌فرماید:
به خدا توکل کن: «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» و چون بر (کاری) دل
بنهادی بر خدای توکل کن که خدا توکل‌کنندگان را دوست دارد» (آل‌عمران، ۱۵۹).

توکل بر خدا به منزله تلاش آگاهانه در جهت تحقق اهداف و تکیه بر خالق هستی به
عنوان قادر مطلق است. به گفته امام صادق(ع)، ثمره چنین دیدگاهی بی‌نیازی از دیگر
انسان‌ها و عزت واقعی خواهد بود: «إِنَّ الْغَنَى وَالْعِزَّ يَجُودَانِ فَإِذَا ظَفِرَا بِمَوْضِعِ التَّوَكُّلِ
أَوْطَنَا؛ بی‌نیازی و عزت به هر طرف در گردش‌اند تا چون به محل توکل برسند وطن گیرند»
(کلینی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۰۵). بر این اساس، توکل بر خدا به منزله اتصال به سرچشمه
عزت، استغناء و بی‌نیازی از غیر خدا در انسان پدید می‌آورد و حاصل این بی‌نیازی از غیر
خدا کرامت و عزت انسان خواهد بود. امام حسین(ع) به عنوان اسوه عزت‌مداری در آغاز
حرکت انقلابی و اعتراض‌آمیز خویش هنگام ترک مدینه، در وصیت‌نامه خود به برادرشان
محمد بن حنفیه می‌فرماید: «همانا من برای اصلاح امت جدم بیرون شدم می‌خواهم دین
را رواج دهم و از منکرات جلوگیری کنم... هر کس از من حق را بپذیرد حق را پذیرفته
است و هر کس مرا رد کند صبر می‌کنم تا خدا میان من و قوم ستمکار قضاوت کند و او
بهتر حاکمی است. ای برادر، این وصیت من است به تو. «و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت
و الیه انیب» (قمی، ۱۳۸۵، ص ۷۲). امام حسین(ع) توکل و رخوت و بی‌تفاوتی را در هم

نمی‌آمیزد و به عنوان یک انسان وارسته که چیزی را خوش‌تر از عبادت الهی نمی‌داند، به بهانه توکل بر خدا انفعال و سستی پیش نمی‌گیرد و تن به ذلت نمی‌دهد، بلکه با تدبیر و اندیشه و براساس مقتضیات زمان خود گام در راه می‌گذارد، با استعانت از خدا و توکل به او در برابر مظاهر دروغین عزت زمان که باعث به بندگی کشیده شدن امت اسلام شده بودند، می‌ایستد. از همین‌رو است که در صبح عاشورا در حالی که قدم در میدان کارزار می‌گذارد، می‌فرماید: «اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي فِي كُلِّ كَرْبٍ وَ رَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزْلٌ بِي ثِقَةٌ وَ عُدَّةٌ» (شیخ مفید، ۱۳۷۷ق، ج ۲، ص ۹۶).

توکل به عنوان یکی از راهکارهای دستیابی به عزت با تلاش در راستای تحقق هدف پیوندی ناگسستنی دارد. از همین‌رو است که امام حسین (ع) در خطبه خود در روز عاشورا، یعنی روز نبرد و کارزار و در جریان تلاش‌های پیوسته و پیگیر خود برای هدایت دشمنان می‌فرماید: «إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۸، ج ۴۵، ص ۹). عملکرد امام در واقعه عاشورا نشان‌دهنده این اصل مهم است که اتکا به ذات اقدس الهی چنان کرامت و عزتی در انسان ایجاد می‌کند که در راستای احیای عزت و کرامت انسانی از جان و مال و فرزندان می‌گذرد. چنین انسان عزت‌مداری هیچ‌گاه به ذلت کشیده نخواهد شد؛ زیرا براساس تعبیر زیبای سیدالشهداء در دعای عرفه، عزت خویش را از خداوند عزیز و دایره گرفته است «يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسَّمَوِّ وَالرَّفْعَةِ فَاولِيائِهِ بَعْزُهُ يَعْتَزُونَ؛ ای آنکه ذات خود را به علو مقام و رفعت مخصوص گردانیدی و دوستانات را به عزت خود عزیز ساختی».

۳. هدفمندسازی زندگی

از نظر اسلام عالم هستی باطل و بیهوده خلق نشده است: «و ما آسمانها و زمین و آنچه در بین آنها قرار دارد را بیهوده و باطل نیافریدیم» (سوره ص، ۲۷). انسان نیز به عنوان اشرف مخلوقات از این اصل مهم، یعنی هدفمندی در آفرینش، مستثنی نیست: «آیا چنین پنداشته‌اید که ما شما را عبث و بازیچه آفریدیم» (مؤمنون، ۱۱۵). زندگی هدفمند یعنی از تمام نیرو و توان خود برای رسیدن به هدف‌های برگزیده زندگی استفاده کنیم. «این طرح‌ها و اهداف درازمدت است که به افراد احساس معنا در زندگی می‌دهد» (آرگایل، ۱۳۸۳، ص ۲۴۶). عاشورا تجلی کاربرد همه توان و نیرو در راه تحقق اهداف متعالی است. آنجا که هدف الهی است بذل جان و مال و عزیزان در راه تحقق آن قابل توجیه است. امام حسین (ع) در راه هدف متعالی خود که همان امر به معروف و اصلاح امت جدش رسول

خداست قیام می‌کند: «أُرِيدُ أَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي» (مقرم، ۱۳۹۴ق، ص ۱۵۶؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۸۹) و تلاش برای تحقق این اهداف متعالی چنان عزت نفسی در او ایجاد می‌کند که در آخرین لحظات زندگی، آن هنگام که همه یاران، برادران و فرزندان در برابر دیدگانش در اوج قساوت به شهادت رسیده‌اند، در اوج مصائب، آنچنان اقتدار و صلابتی از خود نشان می‌دهد که دشمنش را به اعتراف وامی‌دارد:

فَقَالَ حُمَيْدُ بْنُ مُسْلِمٍ فَوَاللَّهِ مَا رَأَيْتُ مَكْثُورًا قَطُّ قَدْ قُتِلَ وَلَدُهُ وَأَهْلُ بَيْتِهِ وَأَصْحَابُهُ أَرْبَطَ جَأْشًا وَلَا أَمْضَى جَنَانًا مِنْهُ (ع) إِنَّ كَانَتْ الرَّجَالَةُ لَتَشُدُّ عَلَيْهِ فَيَشُدُّ عَلَيْهَا بِسَيْفِهِ فَتَتَكَشَّفُ عَنْ يَمِينِهِ وَشِمَالِهِ انْكِشَافَ الْمُعْزَى إِذَا شَدَّ فِيهَا الذُّبُّ؛ حمید بن مسلم گوید: به خدا مرد گرفتار و مغلوبی را هرگز ندیدم که فرزندان و خاندان و یارانش کشته شده باشند و دلدارتر و پابرجاتر از آن بزرگوار باشد. چون پیاده‌گان بر او حمله می‌افکندند، او با شمشیر بدانان حمله می‌کرد و آنان از راست و چپش می‌گریختند، چنان که گله گوسفند از بابین منظور، محمدرابر گرگی فرار کنند (طبری، ۱۹۷۹، ج ۵، ص ۴۵۲؛ شیخ مفید، ۱۳۷۷، ص ۲۲۶).

۴. مرگ‌اندیشی سازنده

اسلام آرزوگرایی بی‌حد و حصر و محصور شدن در چارچوب طرح‌ها و نقشه‌های بی‌پایان را سرچشمه خطاهای انسان می‌داند: «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ» (مجلسی، ۱۴۰۸، ج ۷۰، ص ۲۳۹). تأکید اسلام بر فناپذیری انسان در دنیا و پایان زندگی دنیوی و انتقال از موقعیتی به موقعیت دیگر، رکن اساسی تعلیمات اسلامی در راستای نهادینه‌سازی عزت‌مداری در تفکر متربیان است. براساس تعالیم اسلامی، مرگ پایان زندگی و آرزوهای آدمی نیست، بلکه برای انسان‌های سعادت‌مندی که زندگی خود را بر مبنای تعالیم الهی بنیان نهاده‌اند، پلی است برای انتقال به جایگاه واقعی تحقق آرزوها. چنین تفکری در شرایط دشوار زندگی و زمانی که مصائب و سختی‌ها زندگی را بر هر انسان بااراده‌ای دشوار می‌کند و عزت و کرامت انسان در معرض تهدید قرار می‌گیرد، چنان آرامش و سکونی برای انسان به ارمغان می‌آورد که در اوج مصائب، با صلابت و عزت، اوضاع پیرامون خود را مدیریت می‌کند. نمونه بارز چنین مرگ‌اندیشی عزت‌آفرین در روز عاشورا و در کلام و عملکرد سیدالشهداء به‌خوبی مشهود است. شیخ صدوق به اسناد خود از امام سجاد(ع) روایت کرده است که در روز عاشورا چون جنگ شدت گرفت و کار بر امام حسین(ع) سخت شد،

برخی از یاران آن حضرت متوجه شدند که تعدادی از پیروان امام به سبب شدت جنگ و با مشاهده بدن‌های قطعه‌قطعه‌شده دوستانشان و رسیدن نوبت شهادتشان، رنگشان دگرگون شده و لرزه بر اندامشان مستولی گردیده است؛ ولی امام حسین(ع) و تعدادی از خواص یارانش هرچه فشار بیشتر می‌شد و سختی‌ها و مصائب فزونی می‌گرفت، از آرامش و سکون خاطر بیشتری برخوردار می‌شدند. پس یکی از یاران امام حسین(ع) به دیگری گفت: «او را بنگرید که از مرگ هیچ هراسی ندارد!» در این هنگام حسین(ع) یارانش را مخاطب قرار داد و ضمن بیان رمز استقامت، عزت و پایداری خود، روح صلابت و عزت را در آنها دمید:

فَقَالَ هُمُ الْحُسَيْنُ (ع) صَبْرًا بَنَى الْكِرَامَ - فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا قَنْطَرَةٌ تَعْبُرُ بِكُمْ عَنِ الْبُؤْسِ
وَالضَّرَاءِ إِلَى الْجَنَّةِ الْوَاسِعَةِ وَالنَّعِيمِ الدَّائِمَةِ فَأَيُّكُمْ يَكْرَهُ أَنْ يَتَّقِلَ مِنْ سِجْنٍ إِلَى
قَضَرٍ؟ ای بزرگ‌زادگان، شکیبایی و پایداری بورزید که مرگ جز پلی نیست که
شما را از رنج و سختی می‌گذراند و به بهشت پهناور و نعمت‌های همیشگی آن
می‌رساند. چه کسی است که نخواهد از زندانی به قصر انتقال یابد؟ (شیخ
صدوق، ۱۳۷۹ق، ص ۲۸۸ و ۲۸۹).

اندیشه متعالی امام حسین(ع) نشأت گرفته از تعالیم الهی است؛ زیرا به نص صریح قرآن، مرگ در راه خدا احدی الحسین است (توبه، ۵۲). بر این اساس، اگر انسان مجال پیروزی بر دشمن و با عزت زندگی نمودن را نیافت، شهادت در راه تحقق عزت و کرامت بر او دری به سوی عزت و کرامت می‌گشاید و او را به سعادت واقعی رهنمون می‌سازد. مبنای نهضت تربیتی امام حسین(ع) چنین تفکر پویا و سازنده‌ای درباره شهادت (مرگ) در راه خدا است. از این رو، هنگامی که حر بن یزید ریاحی راه او را به سوی کوفه سد می‌کند و او را از کشته شدن بیم می‌دهد، نوع نگاه خود به مرگ را چنین تبیین می‌نماید: «كَيْسَ شَأْنُ مَنْ يَخَافُ الْمَوْتَ، مَا أَهْوَنَ الْمَوْتُ عَلَيَّ سَبِيلَ نَيْلِ الْعِزِّ وَإِحْيَاءِ الْحَقِّ؛ شَأْنُ مَنْ شَأْنُ كَسَى» نیست که از مرگ بهراسد. چقدر مرگ در راه رسیدن به عزت و احیای حق سبک و راحت است (شوشتری، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۶۰۱).

بحث و نتیجه‌گیری

در راستای تبیین الگوهای رفتاری عزت‌مدار، سیره معصومان بیانگر مناسب‌ترین الگو است. سیره امام حسین(ع) به عنوان سومین پیشوای شیعیان مبین الگویی جامع و کامل در راستای پرورش و تقویت عزت و کرامت انسانی محسوب می‌شود.

منشأ عزت نفس انسان کرامت ذاتی است که براساس آموزه‌های اسلامی در بدو خلقت در وجود انسان به ودیعه نهاده شده است. بر این اساس، انسان با کسب فضایل اخلاقی، عزت و کرامت خود را فزونی می‌بخشد و در صورت قدم نهادن در راه ضلالت و گمراهی این گوهر ارزشمند را ضایع خواهد ساخت.

ارتباط با خالق اساسی‌ترین مبحث در تربیت عزت‌مدار است؛ زیرا دیگر ارتباط‌ها براساس نوع این ارتباط شکل می‌گیرد. بر این اساس، عزت و کرامت انسان تابع مرتبه وجودی او است. زیرا رفعت وجودی انسان چنان بینش وسیعی در انسان ایجاد می‌کند که تنها در برابر خداوند عزیز سر تعظیم فرود می‌آورد و همه قدرت‌های غیر الهی در برابر او پست و حقیر می‌شوند. الگوی مجسم چنین رویکرد و تفکری وجود مقدس سیدالشهداء است که در اوج خضوع و خشوع در برابر خداوند متعال، در برابر مظهر قدرت‌های غیر الهی زمان خود می‌ایستد و هرگز سر تسلیم فرود نمی‌آورد.

عزت‌مداری در تعاملات فردی در سیره امام حسین(ع) نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. بر این اساس، انسان مؤمن در کمال خضوع در برابر خداوند متعال، حافظ عزت و کرامت خویش است. به گونه‌ای که در سخت‌ترین شرایط در انتخاب نوع پوشش خود اصل عزت و کرامت را فراموش نمی‌کند.

عزت‌مداری جزء لاینفک الگوی رفتاری امام حسین(ع) با دیگر انسان‌ها محسوب می‌شود. بر این اساس، ایشان صیانت از عزت و کرامت دیگران به منزله پاسداشت عزت و کرامت نوع بشر را ارج می‌نهند. حفظ کرامت سائلان، نفی تبعیض نژادی و تکریم غلامان و بردگانی که وجود خود را به گوهر تقوا و فضایل اخلاقی آراسته بودند، مبین اهمیت صیانت از کرامت و عزت انسان‌ها در سیره عملی امام حسین(ع) است.

عزت‌مداری در تعاملات اجتماعی در سیره سیدالشهداء مبین دو اصل اساسی است: اصل قربانی نکردن عزت و کرامت انسانی در تعاملات سیاسی و اصل پاسداشت عزت و کرامت انسان‌ها در جریان روابط اجتماعی.

انسان با کرامت ذاتی پا به عرصه زندگی می‌گذارد و عزت نفس به منزله ثمره این کرامت، نیازمند بستر تربیتی مناسب است. خانواده نخستین و مهم‌ترین کانون پرورش و تقویت عزت و کرامت به شمار می‌رود، به گونه‌ای که فقدان عزت نفس در والدین و به تبع آن تضعیف عزت و کرامت در کانون خانواده، فقدان عزت نفس فرزندان را به همراه خواهد داشت؛ از این رو امام حسین(ع) یکی از عوامل عزت و تسلیم‌ناپذیری خود را خانواده عزت‌مدار معرفی می‌نماید.

توکل به خدا به منزله اتصال و اتکا به سرچشمه عزت، یکی از عوامل عزت‌آفرین در سیره عملی امام حسین (ع) است؛ زیرا توکل به خدا حقارت هر آنچه غیر او است را در برابر دیدگان انسان به تصویر می‌کشد.

سیره عملی سیدالشهداء نشان‌دهنده آن است که ترسیم اهداف متعالی در زندگی و تلاش در راستای تحقق آنها باعث افزایش عزت نفس انسان می‌گردد. از سوی دیگر، مرگ‌اندیشی سازنده منبعث از آموزه‌های اسلامی، انسان را از جمود فکری ناشی از مرگ‌هراسی رها می‌سازد و ضمن گشودن افق‌های متعالی، مانع مرگ‌هراسی و حقارت‌های ناشی از آن می‌شود. همچنان که سیدالشهداء مرگ را به پلی تشبیه می‌کنند که انسان را از زندان دنیا به بهشت عقبی می‌رساند. چنین اندیشه‌ای یقیناً عزت و کرامت را برای انسان به ارمغان خواهد آورد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی.
- آرگایل، مایکل (۱۳۸۳)، روان‌شناسی شادی، ترجمه مسعود گوهرکی انارکی و دیگران، اصفهان: جهاد دانشگاهی.
- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله (۱۳۷۸)، شرح نهج البلاغه، به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، الطبعة الاولى، مصر: دار احیاء کتب العربیه.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۴۰۵)، مناقب آل ابی‌طالب، بیروت: مکتبه دارالاضواء.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۴ق)، الملهوف علی قتلی الطفوف، [بی‌جا]: دارالاسوه للطباعة والنشر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۶۳)، لسان العرب، قم: ادب الحوزه.
- اندلسی، احمد بن محمد (۱۴۰۸)، العقد الفريد، الطبعة الاولى، بیروت: دارالاندلس.
- باقری، خسرو (۱۳۸۶)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، چ ۱۷، تهران: مدرسه.
- براندن، ناتانیل (۱۳۷۵)، قدرت عزت نفس، ترجمه مینا اعظمی، تهران: پوینده.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۴)، روش‌های افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان، تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۶)، کرامت در قرآن، تهران: رجاء.
- حرانی، الحسن بن علی (۱۳۹۴)، تحف العقول عن آل رسول، قم: مکتبه بصیرتی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۶۳)، المفردات، تهران: دفتر نشر کتاب.
- شریعتی، علی (۱۳۶۷)، مجموعه آثار (ج ۳۰): اسلام چیست، تهران: چاپخش.
- شوشتری، القاضی نورالله (بی‌تا)، احقاق الحق و ازهاق الباطل، مع تعلیقات السید شهاب‌الدین لمرعشی النجفی، قم: مکتبه المرعشی نجفی.
- شیخ مفید، محمد بن النعمان (۱۳۷۷ق)، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، طهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۰۴)، المعجم الکبیر، الطبعة الثانیة، قاهره: مکتبه تیمیه.
- طبری، محمد (۱۹۷۹)، تاریخ الرسل والملوک، ج ۵، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: مکتبه دارالمعارف.

- ابن بابویه، محمد بن علی (الصدوق) (۱۳۷۹)، معانی الاخبار، طهران: مكتبة الصدوق.
- قمی، عباس (۱۳۸۵)، نفس المهموم، ترجمه محمدباقر كمره‌ای، قم: مسجد جمكران.
- _____ (۱۳۸۹)، مفاتیح الجنان، قم: نشر اسلامی.
- كلینی، محمد بن یعقوب (بی‌تا)، اصول کافی، ج ۳، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران: گلگشت.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۸)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ۱۰ ج، قاهره: دار احیاء.
- مسعودی، علی بن الحسین (بی‌تا)، مروج الذهب و معادن الجواهر، بیروت: دارالاندلس.
- مشکینی، علی (۱۳۷۶)، درس‌های اخلاق، ترجمه علیرضا فیض، قم: ناشر مترجم.
- المقرم، عبدالرزاق الموسوی (۱۳۹۴)، مقتل الحسین، قم: مكتبة بصیرتی.